

## دیپلماسی در آستانه بحران سفارت میرزا محمدصادق وقایع نگار در تفلیس

گودرز رشتیانی<sup>۱</sup>



با پایان یافتن جنگ اول ایران و روسیه (۱۲۲۸-۱۲۱۹ق. / ۱۸۱۹-۱۸۰۴م.) که به توافقنامه گلستان منجر گردید و بخش‌های زیادی از قفقاز به دولت تزاری واگذار شد، دولتمردان ایرانی انتظار داشتند بتوانند از طریق دیپلماسی و درخواست مستقیم از تزار الکساندر اول (۱۸۲۵-۱۸۰۱م.) بخشی از مناطق از دست رفته را باز پس بگیرند. این درخواست توسط ابوالحسن خان ایلچی در سفارت به پترزبورگ (سال ۱۸۱۴م.) دنبال شد و طبق تصمیم الکساندر اول، پیگیری آن منوط به مذاکره با سفیر جدید روسیه، ژنرال یرملوف در ایران گردید که به سال ۱۸۱۷م. با عباس میرزا و فتحعلی شاه قاجار دیدار بی‌نتیجه‌ای به عمل آورد. این سفارت نه تنها دستاوردی برای ایرانیان در بازپس‌گیری مناطقی از قفقاز نداشت، بلکه موجب اختلافات و سوء تفاهم‌های جدیدی شد که به برافروختن جنگ دوم در سال ۱۸۲۶م. منجر شد. آخرین مأموریت، سفارت میرزا محمدصادق وقایع‌نگار، چهره صاحب نفوذ دربار ایران بود که در سال ۱۲۴۱ق. / ۱۸۲۶م. با سفارت در تفلیس، مأمور حل و فصل اختلافات مرزی با ژنرال یرملوف شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این سفارت ابلاغ «دستورالعمل مذاکره» به وقایع‌نگار بود که از نخستین تجربه‌های آداب دیپلماتیک در تاریخ ایران به شمار می‌آید. بررسی منابع و اسناد نشان می‌دهد که عباس میرزا و دربار ایران، طرح‌های مختلف برای پیشبرد گام‌به‌گام خواسته‌ها و مجاب کردن روس‌ها به قبول شرایط ایران را از قبل ترسیم کرده بودند و سرانجام نیز که به دلایل مختلف امکان تحقق مفاد دستورالعمل فراهم نشد، مذاکره به پایان رسید و جنگ سه‌ساله دوم که به عهدنامه ترکمانچای منجر شد، آغاز گردید.

### ▪ واژگان کلیدی:

ایران، روسیه، روابط دیپلماتیک، عهدنامه گلستان، میرزا محمدصادق وقایع‌نگار، سفارت، تفلیس.

## مقدمه

پس از ۱۰ سال جنگ کمابیش مداوم در سال‌های ۱۲۲۸-۱۲۱۹ق. / ۱۸۱۳-۱۸۰۴م. قرارداد ترک متارکه جنگ موسوم به عهدنامه گلستان بین دولت‌های ایران و روسیه به امضاء رسید. از همان ابتدا ابهامات زیادی در باره برخی از مفاد این قرارداد و نیز تفسیرهای متفاوت از آن بین کارگزاران روس و ایرانی پدید آمد. یکی از دلایل این تفاوت برداشت، عدم حضور عباس میرزا و قائم‌مقام فراهانی در مذاکرات گلستان بود و بعد از آنکه دستگاه دیوانی نایب‌السلطنه، مسئول اجرای قرارداد به‌ویژه تعیین خطوط مرزی بود، دچار اختلافات اساسی با مأمورین مرزی و سیاسی روس در تعیین حدود شدند؛ موضوعی که در نهایت، زمینه اصلی جنگ دوم با روسیه در سال‌های ۱۲۴۳-۱۲۴۱ق. / ۱۸۲۸-۱۸۲۶م. را فراهم کرد.

برای اجرایی کردن مفاد عهدنامه گلستان، چند سفارت و مأموریت دیپلماتیک بین دو کشور ردوبدل شد که اولین آنها سفارت میرزا ابوالحسن خان ایلچی به پترزبورگ در سال ۱۸۱۴م. بود. در مذاکرات گلستان، ژنرال رتیشچف<sup>۱</sup> قول داده بود که همکاری لازم برای اعزام سفارت ایران به پترزبورگ به عمل خواهد آورد تا بتوانند بازگرداندن برخی از مناطق از دست‌داده را از تزار طلب کنند (873: doc, V, Akty). ابوالحسن خان مدیریت مذاکرات هیئت ایرانی در گلستان را برعهده داشت و امضای وی بر پای عهدنامه نشسته بود (Bournoutian, 2021: 232) و اعزام او به این مأموریت گزینه مناسبی بود. علی‌رغم تشکیکی که غلامحسین زرگری‌نژاد در باره مأموریت ابوالحسن خان به عمل آورده (مجله مطالعات تاریخ اسلام، بهار ۱۳۹۰: ۸)، اما مشخص است که هدف اصلی این سفارت تبادل نسخه‌هایی امضاء شده بین فتحعلی شاه و الکساندر اول بود و البته در کنار آن، تلاش برای جلب موافقت تزار به منظور بازگرداندن بخشی از تالش و قراбаغ نیز با جدیت و اصرار فراوان پیگیری می‌شد.

الکساندر اول در پاسخ به درخواست سفیر ایران، موضوع بازگرداندن بخشی از سرزمین‌های متصرفی را به تعیین سفارت جدیدی از طرف دولت روسیه منوط کرد و از همین رو، ژنرال یرملوف<sup>۲</sup> به‌عنوان سفیر تام‌الاختیار در ۱۸۱۷م. به ایران اعزام شد. به دلایل

<sup>۱</sup> Николай Федорович Ртищев/ Nikolay Federovich Rtishchev (1754-1835)

<sup>۲</sup> در باره اینکه چرا عباس میرزا و وزیر او قائم‌مقام در مذاکرات حضور نداشتند، اظهارنظرهای متفاوتی شده است. در تازه‌ترین پژوهش، جورج بورنوتیان معتقد است: از آنجایی که عباس میرزا و میرزا بزرگ از امضای قراردادی که منجر به از دست دادن بخش‌هایی از قلمرو ایران می‌شد، خودداری کردند؛ میرزا ابوالحسن خان شیرازی نیز منصوب میرزا محمدشفیع صدراعظم بود.

<sup>۳</sup> Алексѣй Петрович Ермóлов/ Aleksey Petrovich Yermolov (1777-1861)

مختلف که پیش از آن در مقاله‌ای بررسی شده است، این سفارت نتوانست به اختلافات دو کشور پایان دهد، بلکه برعکس به وخامت بیشتر روابط آنها دامن زد (رشتیانی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵). بعد از سفارت ژنرال یرملوف، گفتگوهای فراوان و نیز هیئت‌های اجرایی برای تعیین خطوط مرزی تعیین شد که همه آنها به دلیل رفتار سخت‌گیرانه و غیرقابل‌انعطاف یرملوف به نتیجه نرسید. مأموریت قائم‌مقام فراهانی و نیز فتحعلی خان رشتی بیگ‌ربگی تبریز به تفلیس از جمله آنها بود و چند هیئت روس هم سفرهای ناکامی به تبریز در بین دو جنگ داشتند. آخرین تلاش ایرانیان برای اعزام نماینده به روسیه قبل از جنگ دوم، پاسخ با سفارت ژنرال مزاروویچ<sup>۱</sup> بود که تصمیم گرفته شد میرزا محمدصادق وقایع‌نگار مروزی برای سفارت به تفلیس تعیین شود تا بتواند به اختلافات دو کشور در تعیین مسائل سرحدی که ناشی از برداشت‌های متعدد از عهدنامه گلستان ناشی بود، خاتمه دهد.

### عهدنامه گلستان زمینه‌ساز بحران

همان‌گونه که اشاره شد، عدم تطبیق متن روسی با ترجمه فارسی عهدنامه گلستان و نیز برداشت‌های متفاوت، عامل اصلی اختلاف‌نظر کارگزاران روس و ایرانی در تعیین خطوط مرزی بود. در فصل دوم و سوم این عهدنامه آمده است:

«فصل دوم - چون پیش‌تر به موجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا در بین دولتین علیتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اسطاطوسکو اوپریزیدیم<sup>۲</sup> یعنی طرفین در هر وضع و حالی که الی قرارداد مصالحه‌الحالیه بوده است از آن قرار باقی و تمامی الکای ولایات خوانین‌نشین که تا حال در تحت تصرف هر یک از دولتین بوده کماکان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند، لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران به موجب خط مرقومه ذیل سنور و سرحدات مستقر تعیین گردید:

از ابتدای اراضی آدینه بازار به خط درست از راه صحرای مغان تا به معبر یدئی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس تا ایصال و الحاق رودخانه کپنک چای و از طرف راست رودخانه کپنک چای به پشت کوه مقری و از آن جا خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان از بالای کوه‌های الگز به دره الگز می‌رسد و از آنجا به سرحدات قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز رسدی از سنور گنجه جمع و متصل گردیده، بعد از آن حدود مزبور که ولایات

<sup>۱</sup>. Семён Иванович Мазарович/ Semion Ivanovich Mazarovich (1784-1852)

<sup>۲</sup>. به معنی وضع موجود و کنونی presentem ad quo status

ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس‌الدین‌لو تا به مکان ایشیک میدان تشخیص و تفصیل می‌سازد و از ایشیک میدان نیز از بالای کوه‌های طرف راست طرق و رودخانه‌های حمزه چمن و از سر کوه‌های پنبک‌الی گوشه حدود محال شوره‌گل و از گوشه شوره‌گل از بالای کوه برف‌دار الدگز گذشته از سر حد محال شوره‌گل و میانه حدود قریه هسدره به رودخانه آرپه چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص می‌گردد و چون ولایات خوانین‌نشین طالش در هنگام عداوت و دشمنی دست به دست افتاده، لهذا به جهت زیاده صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبوره را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام، معتمدان و مهندسان مأمور که به موجب قبول و وفاق یکدیگر و به معرفت سرداران جانبین، جبال و رودخانه‌ها و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً تجدید و تمیز و تشخیص می‌سازند آن را نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در تحریر این صلحنامه در دست و در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده، آن وقت خط حدود ولایت طالش نیز بر اسطاطوسکو اوپریزیدیم مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین در سرحدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هر یک طرف به موافق اسطاطوسکو اوپریزیدیم رضا خواهد داد. (بهزادی و کسروی، ۱۳۹۸: ۳۱).

**فصل سیّم:** اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم مالک بالاستقلال کل ممالک ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت کیوان رفعت، امپراطور کل ممالک روسیه دارند به این صلحنامه به عوض خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قراباغ و گنجه که الآن موسوم به الیزابت پول است و الکای خوانین‌نشین شکی، شیروان، قوّه، دربند، بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را با خاکی که الآن در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان، گرجستان، محال شوره‌گل، آچوق باش، کوریه و مینگرل و تمامی الکا و اراضی که در میانه قفقاز لینه و سرحدات معینه‌الحاله بوده و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازیه لینه الی کنار دریای خضر متصل است مخصوص و متعلق به ممالک امپراطوریه روسیه می‌داند (Bournoutian, ۲۰۲۱، ۲۳۳).

لازم به ذکر است در زمان تهیه پیش‌نویس معاهده، میرزا ابوالحسن خان پرسیده بود که آیا روسیه به‌عنوان نشانه حسن نیت حاضر است زمین بسیار کمی را به ایران بازگرداند؟ ژنرال رتیشیف<sup>۱</sup> فرمانده نیروهای روسی و مسئول روسی امضای معاهده موافقت کرد که

<sup>۱</sup>. Николай Фёдорович Ртищев/ Nikolay Feodorovich Rtishev (1754—1835)

مغری را که روسها قبلاً تخلیه کرده بودند، به ایران بازگرداند. این امر سفیر ایران را راضی کرد و از همین رو در ۲۴ اکتبر ۱۸۱۳م. قرارداد گلستان بین دو نماینده امضاء شد.<sup>۱</sup> باید افزود که متن عهدنامه گلستان به روسی نوشته شد و سپس ترجمه فارسی آن به صورت ستونی در کنار متن روسی آورده شد. ظاهراً ژنرال رتیشچف اجازه نداد که آقا میرزا محمد نائینی متن عهدنامه را به زبان فارسی بنویسد، بلکه کاتبان گرجی و ارمنی که در ارتش روسیه خدمت می‌کردند و به فارسی مسلط بودند، مأمور شدند تا ضمن ترجمه فارسی آن را نیز مکتوب و ضبط کنند (Berzhe, V, doc, 883).

همچنین در مذاکرات شفاهی به وساطت سرگور اوزلی<sup>۲</sup> مقرر شده بود که بندی در حاشیه عهدنامه گلستان آورده شود که ایران می‌تواند سفارتی به پترزبورگ اعزام کند تا برای بازگرداندن بخشی از سرزمین‌های از دست داده مذاکره کند (Berzhe, V, doc, 873). همین اطمینان روس‌ها باعث شد تا مذاکرات با موفقیت و سرعت پیش برود و جای تعجب است که در متن نهایی عهدنامه چنین عبارتی درج نشد. در عوض، روس‌ها یادداشتی دادند که مخالفتی با اعزام سفارت ایرانی به پترزبورگ برای مذاکره نخواهند کرد، اما اگر در موعد مقرر این سفارت انجام نشود، تغییری در خطوط مرزی ایجاد نخواهد شد (AVPR, VII, doc 167).

### سفارت وقایع‌نگار مروزی در تفلیس

محمدصادق وقایع‌نگار مروزی در مرو به دنیا آمد و پس از هجوم ترکمانان در سال ۱۲۰۰ق. به نجف و کربلا و سپس به کاشان رفت و حدود ۱۲۱۵ق. به تهران آمد. در تهران به دربار وارد شد و ابتدا به سمت منشی‌گری و سپس به مقام وقایع‌نگاری گمارده شد. علاوه بر آن، سمت داروغگی دفترخانه همایون نیز را عهده‌دار شد. وی شاعری طراز اول هم در روزگار خود بود و هما تخلص می‌کرد. کتاب تاریخ جهان‌آراء مهم‌ترین اثر او در تاریخ‌نگاری است. او این کتاب را به ترتیب سنوات تألیف کرد و قصدش بر آن بود که هر ۱۰ سال، یک جلد تاریخ به نگارش درآورد. جلد اول از زمان پادشاهی آقا محمد خان تا سال ۱۲۲۰ق. و جلد دوم از ۱۲۲۰ق. تا ۱۲۳۰ق. تألیف شده است، اما از جلدهای بعدی به دلیل کثرت مشاغل

<sup>۱</sup>. در منابع فارسی از جزئیات مذاکرات گلستان اطلاعات چندانی ارائه نشده است. لازم به ذکر است در ۲۱ اکتبر ۱۸۱۳ عباس میرزا نامه‌ای به دولت عثمانی نوشت و در آن پیشنهاد کرد که دو دولت به اختلافات خود پایان دهند و صلحی را امضاء کنند (گزارش روسیه از مذاکرات، گزارش رتیشچف به رومیانتسوف، مورخ ۱ دسامبر ۱۸۱۳. نک: Berzhe, V, doc, ۸۸۳).

<sup>۲</sup>. Sir Gore Ouseley (1770-1844)

خبری نشد (تکمیل همایون، ۱۳۸۴: ۶۱-۸۲). از دیگر آثار او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: *شیم عباسی، زینه‌المدایح، دیوان همای مروزی، تحفه عباسی، راحه‌الارواح، حکایات میرزا صادق، مجمع‌الآثار، مناظره عقل و بخت و شمایل فتحعلی شاه قاجار*. میرزا صادق وقایع‌نگار در ۱۲۵۰ ق. در تهران درگذشت.

### دستورالعمل ابلاغی به وقایع‌نگار

یکی از مهم‌ترین موضوعات در تاریخ دیپلماسی و روابط خارجی به‌ویژه در اعزام سفیر، تعیین حدود اختیارات و نیز دستورالعمل صادره برای چگونگی مذاکره، پیش‌بینی سطوح مختلف مذاکره، ارائه راهکار حسب هر مرحله و شیوه تصمیم‌گیری در مراحل غیرقابل‌پیش‌بینی است. تردیدی نیست که این دستورالعمل‌ها در تاریخ روابط خارجی ایران و اعزام سفیر به کشورهای مختلف در چارچوب شرایط سیاسی زمانه و به‌صورت مکتوب و یا شفاهی به سفیر ابلاغ می‌شد. یکی از نمونه‌های آشکار، سرنوشت سفیر اعزامی به اسپانیا و اتیکان بود که به دلیل رعایت نکردن دستورالعمل به دستور شاه عباس اول صفوی در ۱۰۲۲ ق. / ۱۶۱۳ م. اعدام شد (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۰۲؛ مهدوی، ۱۳۹۳: ۶۳؛ اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۴۲۴/۲-۱۴۲۳). علیرغم سامان مناسب تشکیلات دیوانی مربوط به روابط خارجی، به دلیل سرنوشت غم‌بار آرشو مدارک تاریخی در ایران پیش از مشروطه، شوربختانه اسناد چندانی از دستورالعمل‌های صادره به سفرای ایران برجای نمانده است که بتوان مطالعات متمرکزی در این حوزه انجام داد. این نقص در موضوع مورد بررسی مقاله حاضر، برطرف شده و در یک مجموعه منشآت رونوشت دستورالعمل‌های صادره فتحعلی شاه و عباس میرزا نایب‌السلطنه به میرزا محمدصادق وقایع‌نگار مروزی ثبت شده است. همین نمونه به‌خوبی گواه آن است که این دستورالعمل با اتکاء و آگاهی از سنت تاریخی دیوان‌سالاری ایرانی صادر شده است و به‌هیچ‌وجه بدون سابقه و پشتوانه تاریخی نبوده است. به جهت اهمیت موضوع که این سند یکی از کهن‌ترین و چه بسا قدیم‌ترین دستورالعمل برجای‌مانده ابلاغی به یک سفیر باشد، متن کامل آن در زیر آورده می‌شود.

- سواد دستورالعمل سرکار اقدس شاهنشاهی [به] عالی‌جاه میرزا صادق واقعه‌نگار در سفارت تفلیس:

فرمایش اعلی حضرت شاهنشاهی که به یرملوف ابلاغ نماید این است:

که چند سال قبل از این که تو خودت از جانب امپراتور به ایلچی‌گری آمدی و شرفیاب حضور ما شدی چون تو را نیک‌خواه و مصلحت‌جوی دولتمند دانستیم و از جانب دولت بزرگی آمده بودی آنچه شایان شأن سلطنت خودمان بود در باره تو به جا آوردیم و در جواب پیغام و اعلام‌های امپراتور لازمه یکدلی و بی‌مضایقگی را منظور داشته، برادرانه رفتار کردیم. تا این یک دو سال که بعضی گفتگو و اختلاف فیما بین سرحداران جانبین روی داد.

چون سرداری گرجستان و شیروانات و این طرفها کلاً در عهده تو بود و کمال اعتماد داشتیم که پخته و سنجیده و خیرخواه هر دو دولت هستی، خاطر ما را اطمینانی حاصل بود که هر چه بشود بر وفق مصلحت خواهد بود و امری که خدا نخواست مایه مفسدت شود واقع نخواهد شد.

تا این اوقات که عریضه مکتوبی و عرضهای زبانی تو به توسط جنرال مزاروویچ مسموع شد و نایب‌السلطنه عباس میرزا در رکاب ما بود، فوراً عهدنامه مشحون به دستخط و مهر امپراتور که در طهران بود، آوردیم و فارسی آنرا ملاحظه و روسی آن را ترجمه و هر دو را با هم مقابله کردیم. امنای دولت ما با ایلچی مکالمه نمودند و آنچه از مکالمه طرفین و ملاحظه مضامین عهدنامه بر ما حالی گردید، سرحداران ما از قاعده اسطاطوسکو اوپریزیدیم که وکلای ما و دولت روس هنگام معاهده گلستان به مضمون همین لفظ رضا داده، تجاوز نکرده و از حدود و خطوطی که در هنگام مصالحه فیما بین ولایات متصرفی جانبین بوده، نگذشته‌اند و مایه اختلاف همین است که تو چند قطعه زمین از زمین‌هایی که قبل از مصالحه و «بعد الی یومنا هذا» در تصرف سرحداران ما بوده، خواهش داری که متعلق به دولت روس باشد. لهذا ما قرار بر این دادیم که به هر یک از سه شق که تو صلاح دانی رفتار شود: **شق اول:** آنکه به هیچ‌وجهی تغییری در رفتار این چهارده سال که بعد از مصالحه بوده نشود. هر یک از سرحداران همانچه هنگام مصالحه داشته و تا حال دارند، باز کماکان داشته باشند و هیچ‌یک از طرفین خواهش در باب واگذاشتن خاک و زمین به یکدیگر ننمایند.

**شق ثانی:** هر گاه تو خواهش یک پارچه زمین داشته باشی، چون نوکر بزرگ امپراتور هستی و مورد مرحمت ما می‌باشی، بسیار سهل است و پذیرفتن هرگونه خواهش در ایام سازش خلاف رسم قانون دولتهایی که با یکدیگر عهد موافقت دارند، نیست؛ لیکن موافق انصاف این است که به وضعی که از این طرف بی‌مضایقگی می‌شود از آن طرف هم بشود و خواهشی که نوکرهای بزرگ سرحدنشین ما در حالت ضرورت از تو بنمایند، بپذیری و در دولت روس و حضرت امپراتور مجری بداری.

**شق ثالث:** هرگاه به این دو شق راضی نشوی به.. [واسطه‌ای] که خارج از این هر دو دولت باشد و بی‌خبر از اوضاع این مصالحه نباشد راضی شوی که در میانه بر وفق انصاف رفع اختلاف نماید تا آدم ما برود و جواب با صواب از دولت امپراطوری بیاورد (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، رونوشت نامه‌های عباس میرزا ولیعهد، نسخه خطی شماره ۱۳۶۵۷: ۳-۴).

بررسی این سند نشان می‌دهد که میرزا محمدصادق وقایع‌نگار از جانب پادشاه ایران فتحعلی شاه قاجار به این سفارت تعیین شده است. ابتدا به تاریخچه مناسبات دو کشور و نیز سفارت ژنرال یرملوف و مذاکرات با او اشاره شده است. مهم‌ترین موضوع در این دستورالعمل، تأکید بر رعایت ماهیت عهدنامه گلستان و اعتراض به تجاوز نیروهای روس و اشغال مناطق ایرانی است که طبق عهدنامه و مبنی بر قاعده استاتکو، خط مرزی می‌بایست طبق وضع موجود تسلط طرفین تعیین می‌شد. در ادامه نیز نقشه راه، چشم‌انداز مذاکرات و نیز گزینه‌های اصلی و جایگزین به‌خوبی ترسیم شده‌اند (با عنوان شق اول، شق ثانی و شق ثالث). همچنین از آنجا که عباس میرزا نایب‌السلطنه به‌عنوان ولیعهد و حاکم تبریز و نیز فرمانده جنگ‌های با روسیه در ارتباط مستقیم و نزدیک با موضوع مناقشه‌برانگیز بین دو کشور قرار داشت، لذا جزئیات دستورالعمل ابلاغی توسط او و البته در چارچوب بندهای ابلاغی فتحعلی شاه تعیین شده است.

### دستورالعمل صادره توسط عباس میرزا

فرمایش نواب ولیعهد:

که وقایع‌نگار اولاً سعی باشد که شق اول بگذرد و هرگاه نگذشت قرار بر شق ثانی بدهد. به این وضع که کوکبه را موافق نقشه ثانی فتح علی خان واگذاریم که خواهش ما را در باب واگذاشتن موغان به عمل آورد. هرگاه به این وضع نگذشت قرار دهد که در بهار سال آینده وکیل و مهندس ما و آنها با وکیل و مهندس انگلیس در سرحد یا جای دیگر که طرفین رضا دهند بنشینند و بگذرانند<sup>۱</sup> و هرگاه یرملوف به این هم تن در نداد وقایع‌نگار بلیط آزاد بگیرد و آدمهایی که به پترزبورگ و لندن مأمورند بفرستد و خود مراجعت کند.

قیانک و کیانک و کینک هیچکدام در قراباغ نیست. از تاریخ قدیم که هلاکو خان کل آب و زمینهای آذربایجان را به مغول قسمت کرده، چنین اسمی در قراباغ نبوده، بعد از آن هم

<sup>۱</sup>. توافق کنند.

که اسامی رودها و درها [دره‌ها] و محالات تغییر کرده، باز چنین اسمی به این لفظ نزدیک باشد منحصر است به قپان و چون به زبان روس قاف را کاف عجمی می‌گویند کپانک نوشته‌اند و کاف ثانی علامت وقف است و ساکن است به دلیل اینکه هر گاه ساکن نبود و متحرک بود. بایست همچنانکه مصدر که در اصل عهدنامه امپراتور اعراب کرده‌اند کپانک را هم این طور اعراب نمایند کپانک.

دلیل دیگر این که سوای قپان هیچ رودخانه دیگر نیست که اسمش به این لفظ نزدیک باشد و حرفی که مهندس روس در باب رودخانه مقری دارند دو جواب دارد: یکی آنکه واقعا اگر رودخانه مقری منظور بود چرا از اسم معروف متداول عدول کردند و به این غیر معروف غیر معلوم ادا نمودند؟

دیگر اینکه چون آن رودخانه از میان ده مقری می‌گذرد چرا این نشانه واضح بین را ننوشتند و نوشتند که از پشت کوه مقری عبور میکند؟ و این رودخانه مقری را هرگز هیچ‌کس به اسم قپانک و کپنک و کپانک نکرده و نشنیده است...<sup>۱</sup>

و موافق کاغذ مصحوبی جنرال مزاوویچ باید بگذارد که نواب نایب‌السلطنه مرقوم داشته‌اند.

[در حاشیه] هوالمحمود. خط مبارک نواب نایب‌السلطنه از این قرار است:

عالی‌جاه میرزا صادق در تبدیل این دو مکان مأذونی اگر بگذرد بگذران، به خاطر جمعی قول سرکار است.

خط مبارک نواب نایب‌السلطنه العلیه العالیه از این قرار در بالای دستورالعمل مزبور مرقوم شده: فرمایشات اعلی‌حضرت شاهنشاهی از این قرار است عالی‌جاه میرزا صادق وقایع‌نگار باید انشاءالله تعالی از عهده برآید. حرر فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۴۱ (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، رونوشت نامه‌های عباس میرزا ولیعهد، نسخه خطی شماره ۱۳۶۵۷: ۳-۴).

همان‌گونه که در دستورالعمل عباس میرزا دیده می‌شود، این بندها در چارچوب اختیارات کلی ابلاغی فتحعلی شاه تنظیم شده و البته دارای جزئیات بیشتری است. اولویت اول عباس میرزا حل‌وفصل اختلاف مرزی با ژنرال یرملوف در تفلیس است، اما تأکید شده در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات باید به پترزبورگ پایتخت روسیه سفر کند و با مقامات عالی روس به نتیجه برسد. در این دستورالعمل به‌خوبی معلوم است که اختلاف بر سر تسلط

<sup>۱</sup> در ادامه سند، اسامی مناطق متعلق به ایران طبق عهدنامه گلستان و خط مرزی دو کشور با ذکر جزئیات آمده است که برای پرهیز از طولانی شدن متن حذف شد.

بر منطقه قاپان/ کاپان کانونی‌ترین مورد اختلافی دو کشور است. از همین جا معلوم می‌شود که نگارش توافقنامه گلستان به زبان روسی و ترجمه آن به فارسی و اختلاف در تلفظ و نگارش قپانک و کپانک و کپنک زمینه‌ساز توسعه‌طلبی مأموران مرزی روسیه شده و قپان را بخشی از قره‌باغ دانسته‌اند که می‌بایست طبق عهدنامه به تصرف روسیه درآید.

در نامه‌ای که عباس میرزا به وقایع‌نگار در تفلیس نوشت، اعلام کرد که نظرعلی خان افشار به سفارت در روسیه تعیین شده تا به آستاراخان سفر کند و ضمن دیدار با امپراتور خواستار جلوگیری از تعدیات و دخالت‌های یرملوف شود. در این نامه و نیز دستورالعمل صادره به نظرعلی خان بر هماهنگی کامل با وقایع‌نگار تأکید شده است<sup>۱</sup> (رشتیانی، ۱۴۰۲: ۴۹۰). از فحوای نامه به‌خوبی پیداست که آخرین امید ایرانیان به حل‌وفصل مناقشه را به دخالت تزار گره زده بودند. «امپراتور که آخر مطلع می‌شود، البته خواهد پرسید که این معرکه و مفسده در چه مکان برپا شد» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۸).

### مکاتبات عباس میرزا با وقایع‌نگار در تفلیس

در ماه‌های اقامت میرزا محمدصادق وقایع‌نگار در تفلیس از ربیع‌الثانی ۱۲۴۱ق./ نوامبر ۱۸۲۵م. تا شعبان ۱۲۴۱ق./ آوریل ۱۸۲۶م. حدود ۲۲ نامه از طرف عباس میرزا برای او ارسال شده است که در مجموعه کاخ و موزه گلستان نگهداری می‌شوند (عبدامین، ۱۳۹۷: ۱۵۸-۱۱۵) و بیشتر این نامه‌ها به خط قائم‌مقام فراهانی است. بررسی مفاد و فحوای این نامه‌ها نشان‌دهنده گزارش مستمر توسط سفیر و نیز ارائه راهکارهای لازم توسط عباس میرزا برای حل‌وفصل امور مرزی مورد اختلاف است. وقایع‌نگار علاوه بر دیدار با ژنرال یرملوف به‌عنوان فرمانده قفقاز، با سایر فرماندهان عالی روس نیز ارتباط نزدیک دارد. در چند نامه، عباس میرزا به او توصیه می‌کند که با ژنرال مدودوف رابطه نزدیکی برقرار نماید و تلاش کند که او به‌عنوان نماینده روسیه در تعیین خط مرزی تعیین شود؛ از متن نامه پیداست که مدودوف به فارسی تسلط دارد (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ‌های ۱ و ۲).

حمایت از تصمیمات وقایع‌نگار در همه نامه‌ها مشهود است. از جمله در یکی از آنها آمده است: «آن عالی‌جاه خود رأی زرین دارد و فکر متین. دستورالعمل ما نیز همان است که

۱. البته این سفارت به دلایلی از جمله موافقت نکردن یرملوف انجام نشد.

شفاهاً به آن عالی‌جاه مقرر داشته‌ایم و عهدنامه دولتیم فاصل میان حق و باطل است و به مأموریت آن عالی‌نسب امیدواریم که اغماض و اغراض نیز از آن طرف موقوف و خاطر ما به امضای امر و تشیید مبانی الفت دولتین مشعوف گردد (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۲)... همین قدر که اتمام‌حجتی از رفتن تو در سرکار دو پادشاه به جهت ما حاصل خواهد شد کفایت است و از برای تو خجالتی نیست. خاطرجمعانه در کار خود باش؛ اگر به جایی رسید از تأثیر فصاحت و بلاغت تو خواهد بود و الا عادت دیرینه آنها است» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۳).

در نامه دیگر هم آمده است: «عرایض لاحقه آن عالی‌جاه رسید. به تفصیل دیدیم و خواندیم و فوق‌الوصف محظوظ شدیم و از این نوع اهتمامی که آن عالی‌جاه در هر مطلب و هر مواد نموده و سؤال و جوابی که در آنجا گذشته لذت بردیم و در حقیقت مطمئن شدیم و امیدوار گشتیم که انشاءالله به همین نوع دقت که آن عالی‌جاه مناظره و محاوره با خصم کند و فریب نخورد، جمیع مهمام بر وفق مقصود و مرام خواهد گذشت. الحق هر چه گفته‌اید از روی درایت و فراست بوده. مرحبا مرحبا! آفرین آفرین! آنچه باید و شاید، در طی ارقام جداگانه مرقوم داشته‌ایم و دستورالعمل مفصل در هر مواد داده‌ایم. البته خواهد دید و خواهد یافت که دقیقه‌ای از فکر پیشرفت کار آن عالی‌جاه غافل نبوده ایم و همین برای آن عالی‌جاه باعث قوت قلب کامل خواهد شد» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۹)... یا در جای دیگر نوشته است: «چون از فطانت و متانت آن عالی‌جاه اطلاع کامل داریم، می‌دانیم که به این رفتار و گفتارها فریب نخواهد خورد و هزار مثل این اشخاص را فریب داده و خواهد داد» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۱۹).

مشخص است عباس میرزا هم‌زمان با مکاتبه با وقایع‌نگار، با سرداران روس نیز مکاتبه می‌کند: «رقیمه‌ای به عالی‌جاه ولیمنوف نگاشتیم و کیفیت را به او مرقوم و معلوم داشتیم. ما با وجود این اوضاع، باز حوصله کرده‌ایم و متحمل هستیم. آن عالی‌جاه باید در این مواد درست دقت کند و حرف بزند و رفع بکند و قرار کار به هر چه منجر شد ما را به‌زودی مستحضر نماید» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۴). تعمیق ارتباط با ارامنه و جلب حمایت آنها از سیاست‌های اصولی ایران در جنگ‌های با روسیه بود. علی‌رغم آنکه بخش‌های کمابیش مختصری از جامعه ارمنی

قفقاز به روسیه تمایل داشت، اما خلیفه‌گری ارامنه در اچمیادزین و نیز سایر بزرگان آنها از دوره صفویه به بعد تا این زمان، تمایلی برای پیوستن به روسیه تزاری نداشتند (رشتیانی، ۱۳۹۶: ۷۰-۵۱). عباس میرزا در یکی نامه‌هایش به وقایع‌نگار تأکید کرد که با نرسیس مهربان خلیفه بزرگ ارامنه در اچمیادزین ارتباط مستمر داشته باشد و به درخواست‌های او رسیدگی کند (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۶).

تردید نیست که عباس میرزا حداکثر تلاش خود را به منظور حل و فصل مسائل مرزی به کار بست و از هیچ کوششی برای پرهیز از جنگ فرونگذاشت. در یکی از نامه‌ها ضمن اشاره به سابقه بدعهدی روس‌ها نوشت: «خود را از اهل قانون و نظام می‌شمارند و حال آنکه هیچ کارشان موافق ضابطه نیست و با وجود این، کدام بی‌نظامی و بی‌قاعدگی از طرف ما سر زده است، ما به آنها نوشتیم که اگر از این طورها که پیشنهاد خود نموده‌اید، منظور شما این است که به زور ولایت بگیرید؛ این صالدا<sup>۱</sup> و توپخانه که به بالغلو آورده‌اید کم است و اگر به رضا می‌خواهید تصرف نمایید، به کدام محبت و اهلیت حرف حسابی و راه توقع دارند و به کدام جرأت از عهدنامه پادشاه خود تجاوز می‌کنید و حال که تجاوز از شروط عهدنامه و حدود معینه می‌نمایید، چرا کم نمایید، زیاد نمایید، چرا که تجاوز چه یک فرسخ و چه هزار فرسخ، هیچ تفاوت ندارد. این جماعت که طمع در یک سمت و یک طرف ندارند، از همه طرف سرحدات ما را ضایع کرده‌اند و مغشوش، از طرف شوره‌گل و از طرف اباران [حاشیه راست] و از طرف گوکچه، خواه طرف بالغلو، خواه طرف روم، یا سایر و دره‌الگز، از طرف موغان و طالش. حالا که گوکچه را از ما بگیرند و ما هم بدهیم، یک سال دیگر داستان و اساس دیگر در طرف طالش به پای کار خواهند آورد. هر روز باید این مرارت را ما بکشیم.

این که آن عالی‌جاه نوشته بود که اگر ما راضی به همان نوشته قائم‌مقام هستیم و همان را ممضی داریم، کار خواهد گذشت. مختص این که آن عالی‌جاه در این سفر خدمت خود را به هر طور هست نوعی به انجام رساند و با مراجعت مثل آن عالی‌جاه سفیری به یأس، تمام کار به جنگ و جدال نکشد و میان دولتین علیتین مفسدت تازه کلی رو ندهد» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۸). تجربه نگارش عهدنامه گلستان و ابهامات آن درس بزرگی برای دستگاه دیپلماسی ایران بود که وجود ابهام در قرارداد می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات جدی و چه بسا جنگ‌های پی‌درپی باشد.

۱. به معنای سرباز و سپاه

در یک نامه، ضمن هشدار در باره صداقت نداشتن روس‌ها در عهد و قرار و درخواست از وقایع‌نگار برای نهایت شفاف‌سازی در هرگونه توافق احتمالی چنین تأکید کرد: «آن عالی‌جاه به تصور اینکه کار را گذراندم از من بگذرد، بعد هر چه می‌شود بشود، و هر چه می‌کنند بکنند؛ کار را خام و بی‌مایه نگذارند. ای حذر! ای حذر! مبدا غفلت کند! باید خیلی دقت کند. آن عالی‌جاه خود منشی و فهیم و صاحب مدرک است. لفظی که مشترک و مبهم باشد و ناخنی در آن بند توان کرد در مکاتبات و قرارنامه‌ها ننویسد» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۱۰). در کنار آن، تلاش برای تطمیع افراد متنفذ روس نیز مطمح‌نظر بود: «مضایقه از بذل مال و انعام و احسان نیز نداریم. آن عالی‌جاه نیز در این باب ما را بی‌مضایقه دانسته، هر نوع وعده و نویدی که به هر کس لازم داند بدهد و مطمئن باشد و علی‌ای حال انشاء الله که راندن امر به هر راه که پیشرفت داشته باشد، بر عهده کفایت آن عالی‌جاه است» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۱۸).

باوجود تلاش‌های بسیار، اما پنجره دیپلماسی در حال بسته شدن بود. استیصال و نومیدی از دیپلماسی در یکی دیگر از این نامه‌های عباس میرزا آشکار است: «از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان شاید در آن میانه یکی کارگر شود» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۱۸). از همین رو عباس میرزا در نظر داشت به وقایع‌نگار مأموریت دهد به پترزبورگ سفر کند و ضمن تقدیم نامه‌های فتحعلی شاه، عباس میرزا و سایر مقامات ایران به امپراتور روسیه و وزرای آن کشور، خواستار دخالت مستقیم تزار در حل و فصل اختلافات و کوتاه کردن دست یرملوف باشد.

در آخرین روزهای حضور وقایع‌نگار در تفلیس، الکساندر اول امپراتور روسیه درگذشت. به‌نظر می‌رسد که عباس میرزا به‌واسطه قائم‌مقام در کوتاه‌ترین زمان ممکن از این خبر اطلاع یافته بود. این موضوع رخدادی مهم در روابط طرفین بود که نقش اساسی در تغییر خط‌مشی دیپلماسی برای ورود به جنگ دوم داشت. در ابتدا مکاتباتی بین عباس میرزا و وقایع‌نگار ردوبدل شد که در قبال مرگ تزار چه موضعی بگیرند. آیا خود را به بی‌خبری بزنند یا اینکه از فرصت استفاده کرده و با اعزام او به پترزبورگ ضمن ابلاغ تسلیت شاه، حل و فصل اختلافات را خواستار شوند (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۱۴). فصل مشترک همه این نامه‌ها، تأکید عباس میرزا بر

پای‌بندی به قاعده استاتکو است و در واقع همین بند می‌توانست دست برتر را در اختیار ایران برای جلوگیری از تعدیات مرزی فراهم آورد.

علی‌رغم مخالفت ژنرال یرملوف با درخواست اعزام هیئت ایرانی به پایتخت روسیه، عباس میرزا همچنان بر دیپلماسی معتقد بود. «در باره اعتبارنامه سفارت وقایع‌نگار بعد از تاجگذاری تزار جدید روسیه و تعهد به اینکه تا زمانی که گفتگوهای صلح در تفلیس در جریان است، از طرف ایران حمله‌ای صورت نخواهد گرفت. تا تیغ زبان آن عالی‌جاه در میان است، شمشیر قتال ما در نیام است. لسان آن عالی‌جاه که از کار افتد حسام ما به کار افتد. بگوید و بشنود؛ اگر نشد بیاید و ببیند» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۱۶). در نامه دیگری نیز از مرگ تزار الکساندر اظهار تأسف کرد و اعلام داشت برای رفع سوءفاهم از ایروان به تبریز برگشته است و در حال آماده کردن مقدمات برای ارسال تسلیت فتحعلی شاه به جانشین تزار است (کاخ: ۴۷۵۳). از این عبارت به‌خوبی معلوم می‌شود که یکی از دلایل به نتیجه نرسیدن مذاکرات وقایع‌نگار، حضور عباس میرزا با تشکیلات نظامی در ایروان و تحرکات وی بود که ژنرال یرملوف آن را بر قصد حمله نظامی ایران تفسیر می‌کرد که کار را بر حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌بست.

به‌هرحال، به دلایل مختلف مذاکرات وقایع‌نگار به نتیجه دلخواه نرسید و بعد از مدتی جنگ دوم آغاز شد (رشتیانی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵). در جمادی‌الثانی ۱۲۴۱ ق./ فوریه ۱۸۲۶ م. عباس میرزا ضمن تقدیر از تلاش‌های وقایع‌نگار، بر لزوم آماده شدن برای جهاد و نبرد با روسیه اشاره کرد: «الجملة هر چه آن عالی‌جاه گفته و هر چه کرده است موافق قاعده و ضابطه و مطابق عقل و درایت و از روی کیاست و فراست است. همه رفتار تو سراپا نیک همه گفتار تو سراسر به الحق آن عالی‌جاه در این سفر زحمته‌ها کشید. همین با کمال تقدس، توقف تفلیس و معاشرت با اهل تفلیس، خاصه با مزاروئج که واقعاً بدتر از ابلیس است، زحمتی است که زحمتی مافوق آن نیست» (رشتیانی، ۱۴۰۲: ۴۷۷). در نامه دیگر در مارس ۱۸۲۶ م. که وقایع‌نگار در میانه بود بار دیگر از خدمات وی سپاسگزاری کرد (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۲۱).

از آنجاکه متن نامه‌های وقایع‌نگار به عباس میرزا در دست نیست، اما عباس میرزا در پاسخ به یکی از نامه‌های قائم‌مقام به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند که گویا وقایع‌نگار معتقد بود یکی از دلایل به نتیجه نرسیدن مذاکرات در روزهای آخر را به نرسیدن دستورالعمل‌های

عباس میرزا می‌داند. این نکته از این جهت مهم است که مرگ الکساندر اول و سردرگمی یرملوف و سایر فرماندهان روس در قفقاز که با قیام دکابریست‌ها همراه شده بود و نیز قوت گرفتن اندیشه جهاد به عباس میرزا برای ورود به جنگ دوم انگیزه مضاعفی داد و به‌همین دلیل وقایع‌نگار احساس کرد که این اقدام عباس میرزا نقض غرض سفارت و مأموریت او بوده است. عباس میرزا در پاسخ به این گله‌مندی وقایع‌نگار نوشت: «اینکه عرض کرده بود در انفاذ رقمجات تأخیر شده، ما هرگز در رقیمه‌نگاری و اظهار تلافی خودداری و اهمال و تعلل نکرده‌ایم و چاباری نرفته که رقیمه عنایت به آن عالی‌جاه نبوده باشد و غالباً رقمجات و مرسله مزین به خط مبارک بوده؛ شاید تأخیر در ایصال چاپاران در آنجا باشد و اینکه عرض کرده بود آن عالی‌جاه بیشتر عریضه‌نگاری کرده است، بر فرض آنهم عجب نیست؛ چه آن عالی‌جاه است و یک فکر کار ما و مائیم و فکر هزار کار و گرفتار هزار درد و از حقایق و دقایق آن امیال علم و استحضاری که آن عالی‌جاه به هم رسانده است دیگری به هم رسانده است» (مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳: برگ ۲۲).

شایان ذکر است که پس از استقرار نیکلای اول (حک. ۱۸۵۵-۱۸۲۵م.) در مقام تزار روس، وی تصمیم گرفت با اعزام سفیر فوق‌العاده به‌نام پرنس منشیکوف<sup>۱</sup> به ایران (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، رونوشت نامه‌های عباس میرزا ولیعهد، نسخه خطی شماره ۱۳۶۵۷: ۶-۷) ضمن اعلام جلوس خود به باز نگه‌داشتن پنجره دیپلماسی در روابط دو کشور پای‌بند بماند، اما این سفارت با استقبال بسیار سرد عباس میرزا و هیئت حاکمه ایران مواجه شد. عباس میرزا در نامه‌ای به او استعلام کرد که در مذاکرات مربوط به تعیین سرحدات، دارای چه اذن و اختیاری است؟ (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، منشآت قائم‌مقام فراهانی، نسخه خطی شماره ۷۸۲: ۱). در واقع، این سفارت زمانی انجام شد که ارتش ایران شروع به آزادسازی مناطق از دست داده در عهدنامه گلستان کرده بود و از پیش معلوم بود که عباس میرزا اراده‌ای برای گفتگوی جدی با نماینده تزار ندارد.

<sup>۱</sup>. Александр Сергеевич Меншиков/ Alexandr Segievich Menshikov (1787-1869)

## نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن آقا محمد خان قاجار و توجه وی به قفقاز، چالش اساسی برای اجرای سیاست‌های الحاقی روسیه تزاری در آن منطقه به وجود آمد. حضور آقا محمد خان طی دو نوبت در قفقاز باعث واکنش جدی روسیه شد که البته بعد از قتل شاه ایران در پای قلعه شوشی در ۱۲۱۱ق./ ۱۷۹۷م. و لشکرکشی گسترده ژنرال سیسیانوف<sup>۱</sup> فرمانده روسی در قفقاز، زمینه لازم برای آغاز جنگ اول ایران و روسیه فراهم گردید. علی‌رغم مقاومت‌ها و کامیابی‌های اندک پس از ۱۰ سال، ارتش فتحعلی شاه به فرماندهی عباس میرزا دچار شکست‌های سختی شد و در ۱۲۲۸ق./ ۱۸۱۳م. با وساطت سفیر انگلستان، عهدنامه گلستان با امضای ژنرال ردیشچف و میرزا ابوالحسن خان شیرازی بین دو کشور امضاء شد. این عهدنامه دارای چند اشکال جدی بود؛ از جمله اینکه متن آن به روسی تنظیم شده بود و گرچه ترجمه فارسی آن به صورت ستونی در کنار متن روسی آورده شده بود، اما در ترجمه اسامی جغرافیایی، خطاهای عمدی و سهوی زیادی رخ داده بود که هر یک از کارگزاران ایرانی و روسی برداشت‌های متفاوتی از آن داشتند. به‌ویژه تسلط بر قاپان (کاپان)، موضوع اختلاف جدی دو کشور بود. برای حل و فصل این موضوع و تعیین خط مرزی در فاصله بین دو جنگ، چندین سفارت و هیئت کارشناسی بین طرفین ردوبدل شد که آخرین سفارت ایران به سرپرستی میرزا محمدصادق وقایع‌نگار مروزی در سال ۱۲۴۱ق./ ۱۸۲۶م. به تفلیس بود. در این مقاله با استناد به چند مجموعه آرشیوی تلاش شد تا ابعاد مختلف این سفارت واکاوی شود. سرسختی ژنرال یرملوف به‌عنوان فرمانده روسی قفقاز که حاضر به انعطاف در برابر خواست‌های مشروع و اجرای عهدنامه گلستان نبود را باید به‌عنوان مهم‌ترین عامل ناکامی سفارت وقایع‌نگار دانست و هم‌زمان با بازگشت وی از قفقاز، دوره دوم جنگ‌های دو کشور (۱۲۴۳-۱۲۴۱ق./ ۱۸۲۸-۱۸۲۶م.) شعله‌ور گشت که سرانجام به عهدنامه ترکمانچای و جدایی کامل قفقاز از ایران منجر شد.

<sup>۱</sup>. Pavel Dmitriyevich Tsitsianov /Павел Дмитриевич Цицианов (1754-1806)





[illegible]

## دستورالعمل صادره برای سفارت وقایع نگار

(کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، رونوشت نامه‌های عباس میرزا ولیعهد، نسخه خطی)

شماره ۱۳۶۵۷ : ۴)



## منابع و مآخذ

### اسناد:

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، رونوشت نامه‌های عباس میرزا ولیعهد، نسخه خطی شماره ۱۳۶۵۷.

-----، منشآت قائم‌مقام فراهانی، نسخه خطی شماره ۷۸۲.  
مرکز اسناد کاخ گلستان، نامه‌های عباس میرزا نایب‌السلطنه، آلبوم مرقع شماره ۴۷۵۳.

### کتاب‌ها:

اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

تکمیل‌همایون، ناصر، "میرزا محمدصادق مروزی در مسند وقایع‌نگاری"، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، بهار ۱۳۸۴، دوره ۲۲، شماره ۵۳، صص. ۸۲-۶۱.  
رشتیانی، گودرز، ۱۴۰۲، بر مدار ایران، مکاتبات عباس میرزا نایب‌السلطنه، تهران: بنیاد موقوفات افشار با همکاری نشر سخن (در دست انتشار).

-----، "نسبت ارامنه با سیاست‌های توسعه‌طلبی روسیه در قفقاز (از اواخر دولت صفوی تا عهدنامه ترکمانچای)"، پژوهشهای علوم تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۶، دوره ۹، شماره ۲، صص. ۷۰-۵۱.

-----، "دیپلماسی در میانه دو جنگ، سفارت ژنرال یرملوف به ایران و دستاوردهای آن"، مطالعات اوراسیای مرکزی، بهار و تابستان ۱۳۹۲، سال ششم، شماره ۱۲، صص. ۷۴-۷۵.  
زرگری‌نژاد، غلامحسین، "موافقت‌نامه‌ی گلستان، قرارداد متارکه‌ی جنگ یا عهدنامه‌ی قطعی؟"، مطالعات تاریخ اسلام، بهار ۱۳۹۰، سال سوم، شماره ۸، صص: ۷۸-۱۰.

عبدامین، مجید، "بازخوانی چند سند از مکاتبات عباس میرزا نایب‌السلطنه"، پیام بهارستان، بهار و تابستان ۱۳۹۷، دوره دوم، سال دهم، شماره ۱۱۳، صص. ۱۵۸-۱۱۵.  
بهزادی، محمدرضا و رضا کسروی (به‌کوشش)، ۱۳۹۸، عهدنامه‌های ایران و روسیه، گلستان و ترکمانچای، تهران: پرند.

نوابی، عبدالحسین، ۱۳۷۷، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.  
همای مروزی، محمدصادق، ۱۳۷۸، آهنگ سروش، تاریخ جنگهای ایران و روس: یادداشت‌های میرزا محمدصادق وقایع‌نگار (هما) مروزی از آغاز تا عهدنامه‌ی ترکمانچای، به تصحیح: امیرهوشنگ آذر، تهران: کاوشگر.  
هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۹۳، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.

### لاتین:

Berzhe, A. P. ed. *Akty Sobrannye kavkazskoiu Arkheograficheskoiu Kommissiei*, VI. Tiflis, 1866–1874. Vols. 1, 6 (in Russian).

Bournoutian, George, *From the Kur to the Aras, A Military History of Russia's Move into the South Caucasus and the First Russo-Iranian War, 1801–1813*, Brill, 2021.